

هفتمین دوره از سلسله مسابقات اینترنتی

آسیب شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) و استاد مطهری(ره)

بی شک انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب های مهم و بی نظیری است که در جامعه اسلامی ایران به دست بنیانگذار «جمهوری اسلامی ایران» و با حمایت و پشتیبانی مردم مسلمان و انقلابی پدید آمد. این انقلاب که از جهات متعددی (مانند زمینه های شکل گیری، کارگزاران، دستاوردها و اهداف و...) با هیچ یک از انقلاب های جهان قابل مقایسه نیست، طبیعی است که در معرض آفات، مشکلات و آسیب های مختلفی واقع شود و برای پرهیز و یا درمان آن ها باید مورد آسیب شناسی قرار گیرد. از کارهای مهمی که در حوزه آسیب شناسی انقلاب اسلامی مورد توجه تحلیل گران و نظریه پردازان می باشد؛ یکی نصایح بنیانگذار دلسوز انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) می باشد که امروزه صورت مکتوب شده آن مورد اهتمام صاحب نظران این عرصه می باشد و دیگری سخنرانی ها و کتاب هایی که از استاد شهید مطهری(ره) که به حق پشتوانه محکمی برای جامعه اسلامی به شمار می آید، به یادگار مانده است. از این رو در این نوشتار سعی می کنیم رویکرد این دو فرزانه را نسبت به آفت ها و آسیب هایی که انقلاب اسلامی را تهدید می کند، بررسی کنیم.

یکی از عناصر مهم و ویژگی های برجسته ای که انقلاب اسلامی ایران را از سایر انقلاب ها متمایز می سازد، رهبری آن است. تحقق انقلابی با این شکوه و عظمت، بدون رهبری خبیر و توانا ممکن نبود. تعبیر درستی است که انقلاب اسلامی بی نام خمینی، در هیچ جای جهان شناخته شده نیست. «۱» وجود و حضور چنین شخصیتی در موضع رهبری و نظام جمهوری اسلامی در طول سه دهه (۴۰، ۵۰، ۶۰) و اندیشه های مترقی و بنیادین ایشان، نقش و جایگاه کلیدی امام خمینی را در آسیب شناسی انقلاب اسلامی، بی بدیل می سازد، جدا از اینکه انحراف از اصول اندیشه ها و افکار امام(ره) نوعی آسیب برای انقلاب اسلامی و نظام سیاسی حاصل از آن می باشد، خود ایشان نیز نوعی نگاه کارشناسانه و دلسوزانه در مورد آسیب ها و تهدیدهای متوجه انقلاب اسلامی ارائه داده که می تواند ملاک عمل قرار گیرد و نظام و انقلاب اسلامی را از آسیب ها مصون نگه دارد. به ویژه از این دیدگاه که امام خمینی به عنوان بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی، در سنین بالای عمر خود و به دور از دنیاخواهی و قدرت طلبی و نفع شخصی، مواردی را به عنوان آسیب و تهدید مطرح کرده است، که

تردیدی در حقیقت و درستی آن ها باقی نمی گذارد.

امام در وصیتنامه سیاسی... الهی خود، به این موضوع تصریح کرده و با اشاره به نفس های آخر عمر و صرفاً بر حسب وظیفه شرعی که ناشی از نگرانی و دغدغه خاص ایشان نسبت به آینده انقلاب و نظام اسلامی است، «سطری از آنچه در حفظ و بقای انقلاب اسلامی دخالت دارد». «سطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می کند» «۲» برای نسل های حاضر و آینده ذکر کرده است. از این نظر می توان گفت امام خمینی پس از پیروزی انقلاب و برقراری نظام اسلامی، همانند یک پدر دلسوز و خیرخواه در سخنرانی ها و توصیه های خود به دور از شائبه های نفسانی و قدرت طلبی، به نوبت آسیب شناسی از انقلاب اسلامی پرداخته که راه گشای آینده است و برای تضمین سلامت و تداوم انقلاب و نظام اسلامی، بسیار مهم و اساسی می باشد. به همین دلیل ترسیم آسیب شناسی جامعی از انقلاب اسلامی بر اساس دیدگاه امام خمینی، ضرورتی انکارناپذیر است تا بر اساس آن برای صیانت از کیان انقلاب اسلامی تلاش و برنامه ریزی شود. لیکن بررسی همه دیدگاه های امام خمینی در زمینه

آسیب شناسی انقلاب اسلامی کاری عظیم و طولانی است و امکانات و تلاش وسیع محققین را می طلبد. در این نوشتار با گزینش برخی از پیام های مهم امام خمینی، سعی شده است درکی نسبی از آسیب شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی به دست آید تا در پرتو آن، بتوان چرایی به آینده انداخت. «۳»

۱- انحراف از دکتترین ولایت فقیه:

امام خمینی (ره) به عنوان یک احیاگر ولایت فقیه را مبنای حکومت دینی قرار داد و بر این اساس جمهوری اسلامی را بنا نهاد. دکترین ولایت فقیه حاکی از این عقیده است که این نوع حکومت، بهترین نوع حکومت می باشد چرا که فقه به معنای واقعی کلمه، تمامی قوانین را که یک جامعه ایده آل نیاز دارد، شامل می شود. «احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است. از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته، تا مقر را مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی، برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد. در دوره شیرخوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است و بچه چگونه باید تربیت شود و سلوک مرد و زن با همدیگر و با فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند... معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می ورزد... قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد.» «۴»

بنابراین ولایت فقیه رکن اساسی انقلاب اسلامی است و خدشه دار ساختن آن موجب تزلزل کل نظام خواهد بود و تقویت آن برای همه مردم یک امر ضروری و واجب می باشد. «حفظ جمهوری اسلامی یک فرضیه است بر همه ما و ما چنانچه این فرضیه را به درستی بخواهیم، باید همه به اهم همراه باشیم».

۲- ورود و دخالت انگیزه ها و نیت غیر خدایی «۵»

در انقلاب هایی که با نام دین و خدا و سبیل ها و آرمان های اسلامی شروع می شود، نوعی آفت و تحدید وجود دارد که به تعبیر شهید مطهری آفت معنایی است. نهضت الهی باید برای خدا آغاز شود، برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطر و اندیشه غیر خدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شامل حالش شود و گرنه انگیزه های غیر خدایی آن را پریشان و پرپر می کند. ناخالصی و هوی و هوس و طمع و قدرت طلبی و... به خصوص در رهبران این نهضت ها، موجبات زوال آن ها را فراهم می آورد و نهضت ها مذهبی و الهی از این زاویه بیشتر استعداد آسیب پذیری دارند. امام خمینی با عنایت به این مهم و تجربه عملی در زندگی فردی و سیاسی خود، همواره نسبت به این نوع آفت و آسیب، هشدار می دادند. در دیدگاه امام، انقلاب اسلامی وجه تمایز عمده اش از انقلاب های دیگر دنیا، بهره بردن از امدادهای غیبی و عنایات حق تعالی بوده و در نحوه پیدایش انقلاب، کیفیت مبارزه و نیز انگیزه و هدف آن، تأییدات غیبی الهی نقش داشته و حفظ و تداوم آن هم باید بر این اساس باشد. «۶» امام به ملت ایران توصیه می کند که ضمن تلاش و تکاپو در همه عرصه ها و زمینه ها، همواره دست عنایت و حمایت الهی و انگیزه های الهی و معنوی را هم در نظر داشته باشند و صرفاً به معیارهای مادی طبیعی و بشری اکتفا نکنند.

از دیدگاه امام، تعبیر و تفسیر اسلام به گونه ای که موافق یا شبیه نظام سرمایه داری غرب نمایانده شود، علاوه بر اینکه ناصواب است، موجب انحراف نظام و انقلاب می شود. فهم اسلام مطابق سرمایه داری و مارکسیسم، هر یک باعث مخدوش شدن بخشی از چهره اسلام و در مجموع محو کل اسلام می شود. به نظر امام چه بسا به لحاظ مادی و بشری همه شرایط و سازوکارها درست باشد، ولی اگر تأیید الهی همواره نباشد، مایه آفت و آسیب خواهد شد. امام در طلیعه وصیتنامه سیاسی- الهی خود، برای بقای انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن تذکراتی می دهند که حاکی از عمق دل نگرانی و دغدغه ایشان نسبت به آینده انقلاب اسلامی است. اولین تذکر امام این است که: «ما می دانیم که این انقلاب بزرگ... با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید.» «۷» سپس با اشاره به تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی سده اخیر و بسیج همه امکانات و تجهیزات در مقابله با اسلام و ملت، معتقد است که اگر دست توانای خداوند نبود، ممکن نبود یک ملت با دست خالی صرفاً با فریاد الله اکبر تمام قدرت های داخل و خارج را کنار بزند و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. خلوص نیت و کار برای خدا، یکی از ارکان اندیشه و سیره امام خمینی است که در هر سخنرانی یا پیامی به آن اشاره شده است.

ایشان از هر فرصتی برای تذکر این مورد به مردم و مسئولین، استفاده می کردند. به همین دلیل در پیام خود به مناسبت افتتاح دومین دوره مجلس شورای اسلامی، انجام مسئولیت خطیر نمایندگی را مستلزم جهاد اکبر می داند «۸» و برای توفیق نمایندگان در این جهاد اکبر تذکر می دهد که: همه باید بدانیم که عالم جلوه حق و در قبضه قدرت اوست و هیچ موجودی از خود چیزی ندارد. به نظر امام با عنایت به این تذکر، اطمینان قلبی برای انسان پیدا می شود و همه خون ها از قلب ها فرو می ریزد و امیدها جز به خدا زایل می شود. بر همین اساس، امام پیروزی های دوره انقلاب و پس از انقلاب و استقرار نظام اسلامی و... را متکی به عنایت خدا می داند. امام حتی در روابط مجلس با دولت و اجرای حق نظارتی مجلس در استیضاح و سؤال و تذکر هم انگیزه الهی و رعایت مصالح اسلام و کشور را لازم می داند و به شدت نمایندگان را از معیارهای غیر الهی مثل حب و بغض و دوستی و دشمنی و هواهای نفسانی و خودنمایی و... بر حذر می دارد و نسبت به دخالت دست شیطان در کارهای نمایندگان هشدار می دهد. امام نگران روزی است که روحانیت جایگاه و پایگاه خود را از دست بدهد و حرفش در جامعه خریدار نداشته باشد که در آن صورت، کشور به کام سلطه گران خواهد، غلطید. «۹»

در پیام افتتاحیه اولین دوره مجلس خبرگان رهبری نیز امام با اشاره به جایگاه این مجلس و نقش آن در تعیین رهبری جامعه، صراحتاً به رهبری آینده نظام هم تذکر می دهد که رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای ناخواسته به غرور و بزرگ اندیشی وادارد. حکومت ظاهری و رهبری، همان چیزی است که مولای ما علی ابن ابیطالب (ع) درباره آن گوشزد فرموده است. امام نمونه تاریخی برخورد حضرت امیر (ع) با امر حکومت و رهبری ظاهری را به رهبری آینده یادآوری می کنند تا مبدا تشکیل و وجود یک مجلس خاص فقط برای امر رهبری در جامعه، خدای ناکرده موجب «خیالات و خطورات غیر الهی» شود و گمان کند که لابد کسی است و... در همین راستا در ملاقات با نمایندگان مجلس خبرگان هم خیلی صریح و روشن می فرماید: «خیال نکنید که دنیا عبارت از این طبیعت است، این طبیعت را خدای تبارک و تعالی هیچ از آن تکذیب نکرده بلکه در روایات تعریف هم از آن شده است، این یکی از مظاهر الهی است. دنیا آنی است که در ما هست که ما را از کمال دور می کند و به نفس و نفسانیات خودمان مبتلا می کند. دنیای مذمومه همین است که انسان توجه داشته باشد ولو به یک تسبیح، ولو به یک کتاب» «۱۰» البته منظور امام خمینی نفی حکومت و تصدی و امور سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه آن را نباید جز وسیله ای برای احیای حق و اجرای احکام و ارزش های الهی دانست. به همین دلیل معتقد است: «آنچه مردود است، حکومت شیطانی و

دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه جویی و انگیزه های منحرف و دنیایی ابه وجود آمده اند و همین طور [جمع آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می کردند] چنین حکومتی از بزرگ ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است. «۱۱»

پی نوشت ها:

«(۱) - ر.ک: داود مهدوی زادگان، عادی سازی جنبش های مردمی در ایران معاصر (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ص ۲۷۱.»

«(۲) - پرتو خورشید (وصیت نامه سیاسی-الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۱.»

«(۳) - ایران معاصر، سال اول، شماره ۱، ص ۴۸.»

«(۴) - امام خمینی ولایت فقیه (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام)، ص ۲۱، نامه مفید، ش ۲۰، ص ۱۱۲.»

«(۵) - ایران معاصر، ص ۵۰-۵۱.»

«(۶) - صحیفه انقلاب، ص ۹.»

«(۷) - همان، ص ۸.»

«(۸) - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.»

«(۹) - همان، ص ۷.»

«(۱۰) - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.»

«(۱۱) - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۵.»